



نشریه علمی علم و تمدن در اسلام

سال چهارم/ شماره چهاردهم/ زمستان ۱۴۰۱



20.1001.1.26764830.1401.4.14.3.0

جریان‌ها و گرایش‌های فکری یزد در عهد آل مظفر (۷۱۸-۷۹۵ ق)

طیبه رحیمدل میبدی^۱/ احمد بادکوبه هزاوه‌ای^۲/ محمدرضا ابویی مهریزی^۳

(۷۳-۵۵)

چکیده

ولایت یزد در سده هشتم هجری تحت تسلط حاکمان مظفری قرار داشت. آنان در خلأ قدرت سیاسی پس از فروپاشی ایلخانان توانستند در یزد و مناطق همجوار با به دست گرفتن قدرت، منشأ تحولات سیاسی گردند. در کنار رویدادهای سیاسی هر حکومتی، توجه به جریان‌ها و گرایش‌های فکری نیز به عنوان یکی از عناصر مهم در تبیین رویکردهای تمدن‌ساز ضروری می‌نماید. از این رو مقاله حاضر در صدد است به روش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای به این سؤال پاسخ دهد که: موقعیت و جایگاه اجتماعی گرایش‌های مختلف فکری در یزد دوره حاکمیت آل مظفر (۷۱۸-۷۹۵ ق) چگونه بوده است؟ بدین منظور تلاش کرده‌ایم تا با تحلیل رابطه میان گرایش‌های مختلف فکری با امرای مظفری، تصویری مناسب از فضای فکری این دوره در یزد ترسیم نماییم. یافته‌های این پژوهش، نشان می‌دهد در این دوره، گروه‌ها و جریان‌های مختلف فکری اعم از علما، شیوخ و عرفا و سادات هر یک به لحاظ جایگاه خود و حمایت آل مظفر از آنان و اهتمام امرای مظفری در تأسیس مدارس و اختصاص موقوفات بسیار بر آن‌ها و حضور علما، حکما و عرفا از ولایات همجوار به یزد در توسعه علوم و معارف و رونق حیات فکری و اجتماعی عصر خویش، تأثیر بسزایی داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: یزد، آل مظفر، تسنن شافعی، تسنن دوازده‌امامی، حکمت اشراقی، تصوف.

۱. عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد میبد، میبد، ایران. rahimerfani@yhoo.com

۲. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

hazaveh@ut.ac.ir

۳. استادیار گروه تاریخ اسلام، دانشکده مطالعات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع)، تهران، ایران. mehrizi@abu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲ نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

از جمله وجوه برجسته ایام حکومت ایلخانان بر ایران، توجه به جریان‌ها و گروه‌های مختلف فکری است. برچیده شدن خلافت عباسی به عنوان قدرتمندترین نهاد مدافع اهل تسنن، موجب شد تا در این دوره، ضمن توجه به گرایش تسنن شافعی، توجه به ترویج افکار و عقاید سایر گرایش‌ها نیز تقویت گردید. این امر در ادامه با فروپاشی حکومت ایلخانان و ایجاد چندین حکومت محلی در مناطق مختلف ایران از جمله حکومت آل مظفر بر مناطق مرکزی و جنوبی، نشان می‌دهد که علی‌رغم تعصب آل مظفر به تسنن شافعی، سایر جریان‌ها و گرایش‌ها نیز زمینه و بستر نقش‌آفرینی و فعالیت را داشتند. به عبارتی دیگر، دور از ذهن نیست که برخی جریان‌ها و گرایش‌های فکری در این دوره در سایه حمایت‌های آل مظفر و متناسب با علایق و اهتمام ایشان رونق بیشتری یافته باشند. بر اساس چنین ایده‌ای این پرسش مطرح می‌شود که در دوره حکومت امرای مظفری بر یزد کدام جریان‌های فکری توانستند بیش از دیگر مذاهب و فرق، خود را در صحنه اجتماعی آن روزگار عرضه کنند و منشأ آثاری شوند و چه نشانه‌های تاریخی می‌توان برای اثبات این مسئله مطرح نمود. بدیهی است که پژوهش‌هایی از این دست که در حوزه جغرافیای ایران فرهنگی انجام می‌شود، می‌تواند به سیر تاریخ و تحول اندیشه و جریان‌ها و گرایش‌های فکری در ایران دوره اسلامی کمک شایانی نماید و این مقاله نیز چنین هدفی را دنبال می‌نماید. بر این اساس بررسی جریان‌های فکری یزد در این دوره و چگونگی تعامل امرای مظفری با این جریان‌ها، از اهداف اصلی این مقاله است. فرض بر آن است که با توجه به اوضاع فکری حاکم بر ایران طی قرون هفتم و هشتم هجری، ولایت یزد نیز تحت حاکمیت آل مظفر در جهت همسویی و در استمرار گسترش و افزایش فعالیت‌های گرایش‌های مختلف فکری به جا مانده از دوره ایلخانی، شاهد حضور و حیات گرایش‌های مختلف فکری بوده است.

مفاهیم

تبیین برخی کلمات کلیدی مقاله حاضر می‌تواند درک بهتری از مباحث پیش‌رو در اختیار بگذارد:

- ۱- **آل مظفر:** از جمله حکومت‌های محلی که توانستند پس از مرگ ابوسعید، آخرین ایلخان مغول بر بخش‌هایی از مناطق مرکزی و جنوبی ایران همچون یزد، کرمان و فارس تسلط یابند، آل مظفر بودند. آنان هنگام هجوم مغولان به خراسان، از آن‌جا به یزد آمدند و ابتدا به خدمت اتابکان یزد درآمدند و سپس با شایستگی‌هایی که از خود نشان دادند، توانستند حکومتی را بر مناطق وسیعی تشکیل دهند.

۲- **تسنن دوازده امامی:** یکی از تحولات مهم فکری و مذهبی ایران پس از سده هفتم این بود که به تدریج اختلافات مذهبی، تا حدودی از بین رفت و نوعی مسالمت مذهبی میان اقوام ایرانی پدید آمد. این نوع نگرش که نشان از توجه توأمان به خلفای راشدین همراه با اعتقاد به ائمه اثنی عشر در دایره باورهای مذهبی است از حدود دوران سلجوقی، ایلخانی، تیموری و صفوی قابل مشاهده است. شاه نعمت الله ولی در دیوان خود آن را مذهب جامع می خواند و نشانه های آن را در آثار طیف وسیعی از علما و عرفا همچون شیخ صدرالدین ابراهیم حموی، شیخ علاءالدوله سمنانی، حمدالله مستوفی قزوینی، خواجه محمد پارسا، قاضی میرحسین میبدی، فضل الله بن روزبهان خنجی و کربلایی حسین تبریزی دیده می شود. ظاهراً گفتمان مزبور از دوره صفوی به تسنن دوازده امامی موسوم گردید در عین حال باید توجه داشت که یکی از اصلی ترین دلایل گسترش تسنن دوازده امامی در سده هشتم هجری، رشد حرکت های صوفیانه و پیوندی است که تصوف میان شیعه و سنی ایجاد نمود.

۳- **همگرایی تسنن شافعی و کلام اشعری و تصوف:** از آغاز سده ششم هجری به بعد جریان فکری- مذهبی تصوف به عنوان چتری فراگیر، همه مذاهب تسنن را گرد یکدیگر جمع آورد. در واقع، با رشد جریان فکری تصوف زمینه های نوعی همگرایی میان پیروان مذاهب تسنن شکل گرفت و متشرعان صوفی مسلک را در میان اندیشمندان مذاهب مختلف تسنن پدید آورد. چنان که می دانیم اندیشه های اشعری یکی از عوامل مهم معارضه با خردورزی در جهان اسلام به حساب می آید و چون جریان تصوف هم تأکید فراوانی بر جبرگرایی و تقدیر دارد، از میان اهل سنت و جماعت سریر آورد. به عبارتی دیگر، جریان شافعی- اشعری، به عنوان رهبر احیای تسنن که در عصر سلجوقی و با اقدامات خواجه نظام الملک مجال قدرت نمایی یافته بود، طی قرون پنجم و ششم هجری خود دچار شک و تردید شد و اندیشمندان شافعی مذهب به طرف تصوف گرایش پیدا کردند. (مؤمنی، ۱۳۹۱: شماره ۱۷۵، ۶۹-۷۲)

۴- **حکمت اشراقی:** با ظهور نظام فلسفی اشراق که توسط شیخ شهاب الدین سهروردی در سده ششم هجری بنیان نهاده شد، غالب فیلسوفانی که پس از وی در حوزه اندیشه اسلامی کار کرده اند، چه در بعد محتوا و چه در بعد روش و ادبیات از وی تأسی پذیرفته و تحت تأثیر این تفکر قرار داشتند. از این رو استمرار این جریان را در سده هشتم هجری نیز شاهدیم.

پیشینه پژوهش

آثار تحقیقی انجام شده مرتبط با موضوع غالباً به بررسی نقش و جایگاه یک طبقه اجتماعی در مجموع مناطق تحت قلمرو آل مظفر پرداخته‌اند. اما گرایش‌های مختلف فکری در یزد این دوره مورد تبیین واقع نشده است. از جمله این آثار، مقاله «نقش آل مظفر در تمدن اسلامی» (رئیس‌السادات و دیگران، ۱۳۹۰) است که ضمن اشاره به نام چند دانشمند، به ذکر مطالبی درباره سبک معماری اماکن عام‌المنفعه می‌پردازد. مقاله «اوضاع فرهنگی یزد در قرن هشتم هجری» (یوسف جمالی و دیگران، ۱۳۹۳)، ضمن توجه به علوم رایج در این دوره به جریان تصوف و مشایخ صوفیه پرداخته است. در مقاله «بررسی بنیان‌های مشروعیت حکومت آل مظفر» (خسروبیگی و صادقی فرد، ۱۳۹۷)، نویسندگان به شناسایی مبانی مشروعیت‌زا و کارکرد آن در مقبولیت حاکمیت آل مظفر پرداخته‌اند. در مقاله «چگونگی تعامل و تقابل سادات با آل مظفر و نقش‌آفرینی آنان» (نوروزی و صادقی فرد، ۱۴۰۰)، نویسندگان به نقش‌آفرینی چند تن از اندیشمندان دینی سادات که در تعامل و یا تقابل با آل مظفر در مناصب سیاسی و دیوانی بوده‌اند، پرداخته‌اند. همین نویسندگان (۱۴۰۰)، در مقاله «جایگاه علمای دین در حکومت آل مظفر و چگونگی نقش‌آفرینی آنان»، به بررسی جایگاه علمای دینی در حکومت آل مظفر و چرایی اقبال حکام این سلسله به این گروه توجه نموده‌اند. نوروزی و صادقی فرد در مقاله دیگری تحت عنوان «چگونگی تعاملات دوسویه آل مظفر و اهل تصوف»، به نقش‌های مختلف صوفیان و چگونگی تعامل سیاسی آنان با امرای مظفری پرداخته‌اند. در مقاله «تصوف مشایخ صوفی یزد در قرن هشتم هجری» (محمد حسن میرحسینی، ۱۳۸۲) پیرامون تصوف در یزد و شرح حال برخی از مشایخ صوفیه توجه شده است و مقاله «تصوف خانقاهی در یزد به روزگار ایلخانان و آل مظفر» (علی اکبر تشکری بافقی، ۱۳۹۱)، نویسنده به بررسی عوامل رشد تصوف در یزد این دوره و رفتار صوفیان با صاحبان قدرت پرداخته است. بر این اساس انجام پژوهشی مستقل که علاوه بر معرفی جریان‌های فکری یزد در عصر آل مظفر، میزان توجه و اقبال جامعه عصر مظفری را به این جریان‌ها مورد بررسی و مطالعه قرار دهد، لازم می‌نمود.

۱- ادامه همگرایی فقه شافعی و کلام اشعری

همانطور که از اوضاع مذهبی اکثر مناطق غربی، مرکزی و جنوبی ایران طی سده‌های هفتم و هشتم هجری برمی‌آید، گرایش به تسنن شافعی در این مناطق رواج داشته است. (رجوع کنید به: مستوفی قزوینی، ۱۳۳۶: ۱۹۸-۵۳) با چنین رویکردی مناطق تحت قلمرو آل مظفر یعنی یزد و فارس و کرمان و

اصفهان نیز پیرو مذهب شافعی بودند. چنان‌که حمدالله مستوفی جغرافی‌دان سده هشتم هجری درباره ولایت یزد می‌نویسد: «مردم آنجا که اکثر به مذهب شافعی‌اند.» (مستوفی قزوینی، ۱۳۳۶: ۸۴) در تأیید این مطلب ابن بطوطه دیگر جغرافی‌دان سده هشتم نیز می‌نویسد: «مردم آن غالباً بازرگان و شافعی مذهب‌اند.» (ابن بطوطه، ۱۳۷۰، ج ۱: ۲۵۷) در واقع امرای مظفری با توجه به آگاهی‌شان مبنی بر توجیه عقلانی و مقبولیت زمامداری‌شان بر مردم از سه راهکار مناسب ایجاد امنیت، برقراری عدالت و توجه و احترام به فرق مختلف مذهبی، در پی کسب مشروعیت و مقبولیت بودند. در وهله نخست آنان هم پیرو مذهب تسنن بودند و هم به عنوان امرای بازمانده از حکومت ایلخانی برای کسب مشروعیت دینی توجه ویژه‌ای به ترویج اندیشه‌های مشروعیت‌زا از طرق مختلف داشتند. چنان‌که امیر مبارزالدین محمد (۷۵۹-۷۱۸ ق) در اجرای احکام دینی و با توسل به اعتقادات مذهبی مردم توانست در سرکوبی طوایف جرمانی و اوغانی ساکن کرمان، اتهام حکم تکفیر آنان را از علما و فقهای کرمان بگیرد و جنگ با آنان را جهاد جلوه دهد. (کتابی، ۱۳۶۴: ۵۳) همچنین زیارت بزرگان دین، مصاحبت با بزرگانی همچون شهاب‌الدین علی باعمران، مجدالدین حسن از قاضیان مشهور یزد (خواندمیر، ۱۳۶۲، ج ۳: ۲۸۷) و شیخ الاسلام صدرالدین عبدالعزیز^۱، احترام به علما و مشرعیان، توبه نمودن در چهل سالگی، مبالغه در امر به معروف و نهی از منکر، تردّد پیاده از خانه تا مسجد جامع یزد برای اقامه نماز جمعه (کتابی، ۱۳۶۴: ۴۲)، بخشی از سیاست‌های مذهبی امیر مبارزالدین محمد در این راستا بود. (نوروزی و صادقی فرد، ۱۴۰۰: ۱۶۹-۱۴۱) این سیاست مذهبی پس از وی به جانشینانش انتقال یافت و آنان نیز از احترام و ارادت به علما دریغ نورزیدند. چنان‌که شاه شجاع (۷۵۹-۷۸۶ ق) تحت تأثیر عالمان دینی و شیوخ کرمان که علت مصائبش را بی‌توجهی به دین مطرح می‌نمودند (جنید شیرازی، ۱۳۲۸: ۴۵۶)، شیوه حکومت‌داری خود را تغییر داد. وی در مجلس درس مولانا قوام‌الدین عبدالله از فقهای معروف عصر حضور می‌یافت و مسند قضا را به مولانا بهاء‌الدین عثمان کوه‌گیلویی واگذار نمود. (کتابی، ۱۳۶۴: ۹۵) در همین راستا هنگام نزاع بین سلطان زین‌العابدین و شاه یحیی بر سر حاکمیت اصفهان، خواجه امام‌الدین واعظ پیشوای دینی اصفهان (مه‌دوی، ۱۳۸۲: ۱۷۹)، در این امر مداخله نمود و حکومت را حق زین‌العابدین دانست. (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ج ۲: ۶۴۳)

با عنایت به بررسی فضای علمی و آموزشی آن روزگار می‌توان گفت که اغلب مدارس و مراکز آموزشی توسط عالمان و مدرّسان شافعی مذهب و اشعری مسلک داشتند اداره می‌شد. چنان‌که سید شمس‌الدین

۱. از خانواده محدث و فقیه شافعی مذهب سده هفتم، شهاب‌الملّه و الدّین توران پشته (کتابی، ۱۳۶۴: ۸۳).

محمد فرزند سید رکن‌الدین محمد - بانی مدرسه رکنیه - در ضمن شرایط مدرّس مدرسه پدرش، اتّصاف وی را به مذهب الامام الاعظم شافعی مطلبی رضی‌الله عنه را بیان می‌دارد. (حسینی یزدی، ۱۳۶۵: ۱۱۹) همچنین دستور می‌دهد تا چهار تن از افراد متدین و متوّرع که از جمله آنان قاضی شافعی مذهب باشد به عنوان هیئت امنای مدرسه جهت رسیدگی به امر تولیت مدرسه تعیین گردند. (حسینی یزدی، ۱۳۶۵: ۶۳-۶۴) نکته دیگر در تأیید این مطلب آن است که وی در کتاب العراضه فی الحکایه السلجوقیه ضمن بیان وقایع سال ۴۵۱ ق در باب فتنه بساسیری توسط سلطان طغرل سلجوقی و بازگشت خلیفه القائم عباسی به بغداد، از خلیفه عباسی با عنوان امیرالمؤمنین و از بغداد با عناوین مسند و مقرّ خلافت و سدّه و مرکز امامت یاد می‌کند. (ابن نظام‌الحسینی یزدی، ۱۳۸۸: ۳۵-۳۴) پیداست که به کار بردن چنین تعبیری برای خلیفه عباسی و دستگاه خلافت آن هم در روزگاری که زمان خلافت عباسی سپری شده است، می‌تواند بیانگر گرایش به مذهب شافعی در این دوره باشد. در استمرار این جریان و انتقال خلافت عباسی به مصر، امیرمبارزالدین محمد در اقدامی دیگر جهت استحکام امور سلطنت خود، قاصدی به مصر فرستاد تا با خلیفه عباسی مصر ابوبکر المعتضد بالله المستعصمی (متوفی ۷۶۳ ق) بیعت نماید. از این رو بنا به تصریح مؤلف تاریخ آل مظفر:

از سال ۷۵۵ ق شعار نیابت خلافت را زینت لباس سلطنت ساخته، سگّه و خطبه به

نام آن خلیفه تزیین داد و اسم خود را به عنوان نیابت خلیفه در خطبه و سگّه وارد کرد

و علمای فارس و کرمان و یزد همه این بیعت را تصدیق کردند. (کتابی، ۱۳۶۴: ۶۷)

قدر مسلم آن که متون درسی از جمله فقه و اصول فقه، تفسیر، حدیث و کلام بر مبنای مذهب شافعی تعلیم داده می‌شد. چنان‌که ارادت آل مظفر موجب شد تا تمام کتب مدرسه مظفریه میبد که توسط شرف‌الدین مظفر احداث گردیده بود اختصاص به تعلیم فقه شافعی داشته باشد. (همایونفرّخ، ۱۳۴: ۹۶؛ مسرت، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۶۸) از جمله کتب فقهی که در مراکز علمی قلمرو آل مظفر تدریس می‌شد، کتاب الانوار للعمل الابرار جمال‌الدین یوسف اردبیلی شافعی از فقهای بزرگ شافعی مذهب بود. (صفا، بی‌تا، ج ۳: ۲۱۸) همچنین کتاب الحاوی فی فقه الشافعی (شرح مختصر مزنی) از ابی‌الحسن نیاوردی و کتاب العزیز از امام رافعی قزوینی (متوفی ۶۲۳ ق) از متون فقهی مهم مدارس بوده است. معین‌الدین معلّم یزدی در ذکر استادان خود، اظهار می‌دارد که شرح اصول ابن حاجب را نزد قوام‌الدین عبداللّه، فقیه بزرگ شافعی مذهب (متوفی ۷۷۱ ق) فرا گرفته است. (معلّم یزدی، ۱۳۲۶، ج ۱: ۲۴۳) به لحاظ کلامی باید توجه داشت که پس از حمله مغول دو جریان فکری کلامی عمده در پهنه

کشور قابل شناسایی بوده است: یکی مکتب مراغه خواجه نصیرالدین طوسی و دیگری جریان کلام اشعری در شیراز. ولایت یزد نیز متأثر از این جریان و متکلم برجسته آن یعنی قاضی عضدالدین ایجی قرار داشته است. وی هم بر مذهب تسنن تعصب می ورزید و هم با تألیف کتاب المواقف السلطانیة در تقویت کلام اشعری نقش بزرگی ایفا نمود. در واقع کلام و الهیات اشعری در این دوره با ظهور وی به اوج خود رسید. وی تمامی آموزه های این مذهب را به شیوه ای نقّادانه، آن هم به شکلی جدید در کتاب خود گرد آورد. این کتاب که همچون دایرةالمعارفی کلامی با صبغه فلسفی محسوب می شود در همان عصر خویش چنان مقبولیتی یافت که مهمترین کتاب درسی علم کلام شد و شروح و حواشی زیادی بر آن نگاشته شد. نکته دیگری که در باب گرایش به مکتب کلام اشعری به عنوان ملازم اعتقادی مذهب شافعی (به تأسی از مکتب فقهی و کلامی سده های پیشین خاصه از عهد سلجوقیان) قابل توجه است، نقش شیخ عمر استادان از مشایخ صوفیه اوایل سده هفتم هجری است در رویگردان نمودن اهالی یزد از مکتب قدری، کرامی و مشبّهی و گردانیدن ایشان به مذهب سنّت و جماعت. (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۴۱) قدر مسلم منظور از مذهب سنّت همان مذهب شافعی و کلام اشعری است که استمرار آن را در دوره آل مظفر می توان دنبال نمود. در واقع تقویت کلام اشعری که از روزگار سلاجقه در نیمه دوم سده پنجم هجری شروع شده بود و تا اواسط سده هفتم استمرار داشت، موجب تقویت کلام در مقابل فلسفه و ظهور چند تن از متکلمین برجسته همچون شهرستانی، امام الحرمین جوینی و غزالی شد. (دهقان نژاد، ۱۴۰۰: ۲۹-۱۰)

در تداوم این جریان، با اندکی تأمل می توان دریافت که غالب آثار و تألیفاتی هم که در یزد تألیف و یا کتابت شد بر مبنای گرایش مذهبی حاکم بر جامعه عصر مظفری بوده است. از جمله رساله ای است به نام وردالجنتّه و بدرالدجنه اثر حسین بن علی بن ابی بکرالمعلّم الخباز که به سال ۷۱۹ ق در مدرسه دارالنظامیه یزد نگاشته است. نویسنده در این اثر چهل حدیث را به روایت از چهل شیخ، تفسیر عرفانی نموده است که حدیث اول و شیخ نخستین آن خلیفه الناصرلدين الله عباسی است. (معلّم خباز، خطّی، جزء پنجم، برگ ۳۷) همچنین است استنساخ ربع اوّل غرائب القرآن و رغائب الفرقان تصنیف نظام الدین حسن بن محمد قمی نیشابوری معروف به نظام نیشابوری و نظام اعرج از مفسران سده هشتم هجری (زنده در ۷۲۸ ق) توسط ابومحمد عمر بن محمد بن اسماعیل ماشاده عباسی اصفهانی به سال ۷۴۰ ق در خانقاه مدرسه حسینیه (قمی نیشابوری، خطّی، برگ انجامه کاتب ۲۴۸) و شرح شیخ جنید توران پستی بر مصابیح السنه بغوی. (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۵۹) در کنار این جریان، باید توجه داشت که به سایر

فرق مذهبی اهل سنت نیز به دیده احترام نگریسته می‌شد. چنان‌که در احوالات مولانا حاج علی رویدشتی از پیشگامان علم تفسیر که امرای مظفری از وی کسب فیض می‌کردند، آمده است که بر مبنای فقه حنفی به قضاوت می‌پرداخته است. (مستوفی بافقی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۶۴۰)

سکه‌ها علاوه بر آنکه سندی بر اثبات حاکمیت آل مظفر است، بیانگر شعائر دینی و باورهای فرهنگی منطقه تحت قلمرو آنان نیز هست و از این رو در بازشناسی اوضاع دینی یزد عصر مظفری می‌تواند مرجع قابل اعتمادی باشد. نمونه‌هایی از مسکوکات سلاطین مظفری که در موزه بریتانیا در لندن موجود است، مسکوکاتی است به ضرب شیراز سنه ۷۲۶ و ۷۷۱ ق، ضرب کاشان سنه ۷۳۶ و ۷۶۸ ق، ضرب یزد سنه ۷۷۲ ق و ضرب کازرون بدون تاریخ. در تمامی سکه‌ها بلا استثناء اسامی خلفای اربعه منقوش است. (ستوده، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۴۵-۲۴۴) فقط یک سکه از شاه منصور در موزه یاد شده موجود است که بر روی آن عبارت «لا اله الا الله، محمد رسول الله» بدون نام خلفا منقوش است. (غنی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۱۷۹-۱۷۸)

۲- تستن دوازده امامی

سده‌های هفتم و هشتم هجری تحت تأثیر عواملی چون برچیده شدن خلافت عباسی به عنوان قدرتمندترین نهاد دینی اهل تسنن، فراگیر شدن نهضت‌های صوفی، تلاش‌های سایر گروه‌های مذهبی از جمله عالمان شیعی در گسترش مذهب تشیع، پیوند تصوف و تشیع و گرایش توده مردم به سمت اهل بیت علیهم السلام موجب شکل‌گیری نوعی خاص از تفکر شد که می‌توان میان چهار خلیفه و دوازده امام شیعیان جمع کرد و به همه آنها اعتقاد داشت. از این نوع گرایش حسب رویکرد برخی محققان و صاحب‌نظران قرون اخیر تحت عنوان «تستن دوازده امامی» یاد می‌شود. البته باید در نظر داشت که هر چند این نوع گرایش تا پیش از دوره صفوی تحت عنوان خاصی مشهود نیست، لکن محتوا و مصادیق وجودی آن به روشنی در محیط فکری دوران پیش از عهد صفویان از جمله در یزد روزگار آل مظفر به چشم می‌خورد. (جعفریان، ۱۳۸۸: ۸۵۰-۸۴۰) این گفتمان فکری موسوم به سنی دوازده امامی گو اینکه ذکری از نام آن در متون ملل و نحل، دیده نمی‌شود و تا پایان عصر صفویان تنها از اواخر سده یازدهم هجری به تصریح صاحب ناشناخته رساله فتوح المجاهدین از مصطلح بودن آن آگاه هستیم (فتوح المجاهدین فی رد المتدلسین، نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۰۷۲۰، برگ ۱۱)، در حیات فکری اهل سنت و جماعت، یکی از اشکال شایع گرایش‌های مذهبی است که

نشانه های آن را دست کم از سده ششم هجری در قالب متون گوناگون اعم از تصانیف تاریخی، کتب سیره و مقاتل، می توان یافت. چنان که مصادیق این نوع اندیشه را در یزد دوره آل مظفر در کتیبه هایی از سنگ های قبور می توان مشاهده نمود. از جمله سنگ قبر فخرالدین اسفنجردی معروف به شیخ احمد فهادان (متوفی ۷۲۷ ق) که در حاشیه دوم آن صلوات کبیر شامل نام دوازده امام و تعبیر حجة القائم المهدی آمده است. (دانش یزدی، ۱۳۸۷: ۱۴۶) کتیبه ای دیگر در محله فهادان متعلق به سنگ قبر شیخ ابوشلوز نامی است که در قسمت بالای حاشیه اول عبارت «حسن الله حسین» دیده می شود و در حاشیه دوم عبارت «الله اکبر، الله اکبر، لا اله الا الله، الله اکبر، محمد، ابوبکر، عمر، عثمان و علی» و داخل سنگ قبر «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله قبر شیخ ابوشلوز بن ابی ابتقاق بن محمد بن ابی جعفر بن شریقی فی آخر شهر المحرم سنة خمس عشر و سبعمائه» آمده است. (دانش یزدی، ۱۳۸۷: ۱۴۷) همچنین در مسجد جامع کبیر، کتیبه ای متعلق به سنه ۷۷۷ ق مشاهده می شود که در داخل کتیبه، صلوات کبیر و نام ائمه اثنی عشر در داخل دوایری نقر گردیده است و در قسمت پایین دوایر، نام متوفی^۱ ذکر شده است. (دانش یزدی، ۱۳۸۷: ۱۵۰) در همین مکان، قطعه سنگی متعلق به همین سده داخل یک قاب زیبا وجود دارد که اسم «محمد» در درون آن نقر شده و در پیرامون آن اسم های «الله اکبر، محمد، علی» کتیبه شده است. (دانش یزدی، ۱۳۸۷: ۱۵۱) سنگ قبر سلطان شیخداد (متوفی ۷۰۰ ق) نیز دارای کتیبه ای است که در حاشیه اول آیه الکرسی و در حاشیه دوم صلوات کبیر حک شده است. (دانش یزدی، ۱۳۸۷: ۱۴۲-۱۴۱) از این شواهد می توان دریافت که در قلمرو آل مظفر نوعی روحیه سازش گرایانه بین آموزه های تشیع و اهل سنت با محوریت محبت به خاندان پیامبر (ص) و با اذعان به امام بودن آنان بوده است. نکته حائز اهمیت در رابطه با کتیبه متعلق به مسجد جامع یزد یعنی جایی که امرای مظفری در بنای آن و در مجالس عبادی و آموزشی آن مشارکت و حضور داشتند، قرار داشتن آن در دهلیز ورودی مسجد است که می تواند بیانگر انعطاف بسیار امرای مظفری به تشیعی اعتدالی باشد. همچنین در صقه عمر واقع در مسجد جامع اصفهان کتیبه ای از دوره آل مظفر بر جای مانده است که اسامی زیر در آن دیده می شود: الله، محمد، ابوبکر، عمر، عثمان، علی، حسن و حسین. (هنرفر، ۱۳۵۰: ۱۳۹) در بخشی از محراب مدرسه امامی (مدرسه بابا قاسم اصفهان احداث سال ۷۲۵ ق) از بناهای عصر شاه محمود مظفری ترکیبی از اسامی خلفا و اسامی دوازده امام آمده

۱. با توجه به آنکه اجزایی از نام صاحب کتیبه تراشیده شده، بر جای مانده است، با نگاهی دقیق به آن به نظر می رسد که عبارت دقیق نام صاحب کتیبه از این قرار بوده است: «بنده خاندان نبی، عثمان بن حاجی علی بن عمر الیزدی فی تاریخ صفر لسنة سبع و سبعین و سبعمائه».

است. آندره گدار در این باره می‌نویسد: «این امر خاص بناهای عهد شاه محمود نیست، چرا که در نمای مساجد بزرگ آل مظفر در یزد و کرمان نیز مشاهده می‌شود و این خود نشانه حسن تفاهم مذهبی (بین شیعه و سنی) از قدرت شخصی سلاطین آل مظفر سرچشمه می‌گیرد.» (گدار، ۱۳۷۱، ج ۲: ۲۴۸-۲۴۷)

وجود چنین گرایشی موجب شد تا سیدرکن‌الدین محمد نیز توجه ویژه‌ای به برگزاری مراسم و اعیاد علوی داشته باشد. چنان‌که سهامی از موقوفات مدرسه خود را به برگزاری مناسبت‌های علوی همچون جشن شب نیمه شعبان و عاشورای حسینی اختصاص دهد. (حسینی یزدی، ۱۳۶۵: ۱۲۸ و ۴۸) پیداست که حضور سادات در یزد می‌توانست عاملی در جهت تحکیم نفوذ ایشان و اقبال مردم به آنان باشد. هرچند که نمی‌توان تاریخ تشیع را با تاریخ سادات یکی دانست؛ اما به هر روی سادات نقش مهمی در بسترسازی گرایش‌های علوی داشته‌اند، به ویژه که صاحب مناصب مهم قضایی و فرهنگی بودند و از طرفی آل مظفر هم ارادت خاصی به آنان ابراز می‌نمودند. از جمله رابطه حسنه شرف‌الدین مظفر با سید جلال کاشی (معلم یزدی، ۱۳۲۶، ج ۱: ۲۹)، احداث دارالسیادهایی در دو شهر یزد و کرمان و وضع صدقات و موقوفات بسیار برای اداره آن‌ها توسط امیر مبارزالدین محمد (کتبی، ۱۳۶۴: ۷۱)، اعطای مقام وزارت و قضاوت به سادات همچون اعطای قاضی‌القضاات و نقیب‌الممالک فارس و عراق به امیر معین‌الدین اشرف از سادات عریضی یزد (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۷۳-۱۷۲)، اعطای سمت قضاوت یزد به سید جمال‌الدین حسن بخاری (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۵۹) و اعطای وزارت شاه شجاع به سید رکن‌الدین حسن فرزند امیر معین‌الدین اشرف (کاتب، ۱۳۴۵: ۱۰۷)، زیارت آرامگاه‌های اهل بیت (ع) و اختصاص موقوفات بسیار به آن‌ها (معلم یزدی، ۱۳۲۶، ج ۱: ۱۸۸)، ازدواج شاه شجاع با دختر یکی از سادات حسنی به نام خانداده کاشی (ابن‌عنه، ۱۴۲۵ ق: ۲۲۶)، پذیرش شفاعت سادات در برخی رویدادهای سیاسی (کتبی، ۱۳۶۴: ۴۹؛ معلم یزدی، ۱۳۲۶، ج ۱: ۱۵۵)، اعطای القاب سید، شریف، مرتضی اعظم و امیر به سادات (معلم یزدی، ۱۳۲۶، ج ۱: ۱۵۵؛ کتبی، ۱۳۶۴: ۴۹)، عنایت و توجه دیگر امرای مظفری چون سلطان زین العابدین و شاه منصور به سادات (سمرقندی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۶۹؛ حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ج ۲: ۶۸۶)، بخشی از تعاملات امرای مظفری با سادات بوده است.

از نمودهای دیگر توجه به این نوع نگرش در آثار استنساخ شده این دوره می‌توان جستجو کرد. از جمله: در انجنامه شرح منهاج الوصول الی علم اصول برهان‌الدین عبدالله بن محمد فرغانی عبری که توسط ابوتراب عبدالحی بن حیدر در سال ۷۹۳ ق در یزد کتابت شده است، کار استنساخ آن با عبارت صلوات

بر محمد و آل طاهرینش خاتمه یافته است. (فهرست نسخه های خطی ایران، ۱۳۹۱، ج ۲: ۸۱۶) در عین حال باید توجه داشت که طی سده های هشتم و نهم هجری گسترش جریانات صوفی گرایانه در یزد همانند سایر مناطق موجبات تحکیم و انتقال رویکرد فکری ایرانیان از تسنن به تشیع را فراهم می نمود. در این میان حضور سید نورالدین نعمت الله معروف به «شاه نعمت الله» و «شاه ولی» (۸۳۴-۷۳۱ ق) به عنوان سرسلسله طریقت نعمت اللهی برای مدتی در یزد و تعیین تفت از آبادی های ممتاز آن ولایت در سیورغال وی و احداث خانقاهی در آن برای طریقت وی (کاتب، ۱۳۴۵: ۲۱۷-۲۱۶)

گرایش وی به تسنن دوازده امامی که خود از آن به عنوان مذهب جامع به معنی جمع میان دوستداری صحابه، خلفا و ائمه اثنی عشر یاد می کند، در نوع خود بیانگر تقویت این جریان فکری است. وی در دیوان خود اشعاری سروده است که نشان از ارادت خاص وی به علی (ع) و فرزندان او دارد. از جمله در ابیات ذیل:

دم به دم از ولای مرتضی باید زدن دست در دامن آل عبا باید زدن
لافتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار این سخن را از سر صدق و صفا باید زدن
در دو عالم چارده معصوم را باید گزید پنج نوبت بر در دولت سرا باید زدن
(شاه نعمت الله ولی، ۱۳۷۴: ۶۶۲)

تصریح وی در اعتقاد به ولایت علی بن ابی طالب و چهارده معصوم در حالی است که غزل ذیل کاملاً گویای پیروی وی از جریانی شایع در مذهب اهل سنت و جماعت دارد که حب آل علی و صحابه و خلفای راشدین در کنار یکدیگر جمع شده است:

ای که هستی محب آل علی مؤمن کاملی و بی بدلی
ره سنی گزین که مذهب ماست ورنه گم گشته ای و در خللی
رافضی کیست دشمن بوبکر خارجی کیست دشمنان علی
هر که او هر چهار دارد دوست امت پاک مذهب است و ولی
دوست دار صحابه ام به تمام یار سنی و خصم معتزلی
مذهب جامع از خدا دارم این هدایت بود مرا ازلی
نعمت اللهم و ز آل رسول چاکر خواهام خفی و جلی
(شاه نعمت الله ولی، ۱۳۷۴: ۵۹۴)

همچنین کتیبه دوازده امام اطراف درب چوبی مسجد شاه ولی در تفت مؤید تسنن دوازده امامی وی می‌باشد. (الشیبی، ۱۳۷۴: ۲۳۴-۲۳۶) در استمرار جریان فکری نعمت‌اللهیه، حضور اعقاب شاه‌ولی و روابط آنان با دولت صفویه، با رویکرد تصوّف تشیع موجب شد این جریان نقش بارزی در انتقال رویکرد فکری ایران از تسنن به تشیع در سده نهم هجری را فراهم نماید.

افزون بر این در میان شعرای یزدی این دوره، می‌توان از سیّد عضد یزدی (زاده ۷۱۶ ق) نام برد که ضمن اشتغال به کارهای دیوانی در دستگاه آل مظفر، صاحب دیوانی است که در سروده‌هایش، اعتقادات و ارادت قلبی وی نسبت به امامان شیعه آشکار است. چنان‌که سروده ذیل به این موضوع اشاره دارد:

از این درگذذر، اهل بیت نبی جگرگوشگان بتول و علی

نه این خون‌جگر شربت زهر خورد؟ نه آن تشنه‌لب مرد با داغ و درد؟

(عضد یزدی، ۱۳۸۱: ۱۰۱)

۳. بارقه‌های حکمت اشراق

تفکر فلسفی در پایان سده سوم هجری به تدریج در جهان اسلام رشد و گسترش یافت. در آغاز مکتب فلسفی مشاء به وسیله فارابی و ابن‌سینا نظامی استوار یافت و به مرحله پختگی رسید. اما با فراز و فرودهایی زمینه ظهور نظام فلسفی اشراق توسط شیخ اشراق در سده ششم هجری فراهم آمد. فلسفه اشراق چون شهابی فروزان در حوزه اندیشه اسلامی درخشید و حکمت اسلامی را به سوی اشراق و شهود جهت داد. شیوه نوینی که وی بنیان نهاد، همچنان در ادوار بعد استوار ماند و در بُعد محتوا و روش و ادبیات بر حوزه‌های فلسفی و عرفانی و حتی سیاسی تأثیر عظیمی گذاشت، به گونه‌ای که پس از سهروردی کمتر فیلسوفی آمد که اشراقی نباشد یا تمایل به فلسفه اشراق نداشته باشد. (بهشتی، ۱۳۸۹: ۳۰-۱۱) چنان‌که خواجه نصیرالدین طوسی توانست اندیشه‌های فلسفی-کلامی و صوفیانه را با حکمت اشراق- که حاصل ادغام این دو تلقی در برداشت از دین است- همراه نماید. (مؤمنی، ۱۳۹۱: ۷۳-۶۶) از این حیث در یزد دوره آل مظفر و علی‌رغم فضای سنت فکری فلسفه‌ستیزی حاکم بر جامعه عصر مظفری، رگه‌هایی از حیات فلسفه و حکمت اشراقی را می‌توان جستجو نمود. چنان‌که مولانا عزالدین ابراهیم فیروزی از مقرّبان دستگاه آل مظفر، شرح حکمة الاشراق قطب‌الدین شیرازی را که در بیان آراء و اندیشه‌های اشراقیون است به خط نسخ کتابت نمود. (قطب‌الدین شیرازی، خطی، برگ ۱۳۸ ب) ابوعبدالله حسین بن عضد بن غیاث حسینی نیز کتابت کتاب المحاکمات بین شرحی الاشارات قطب

الدین رازی را به سال ۷۸۴ ق به اتمام رسانید. (فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران: ۱۳۵۷، ج ۱۶: ۳۸۵) همچنین در این دوره شرحی فارسی بر رساله هیاکل النور اثر شیخ شهاب الدین یحیی سهروردی توسط نویسنده ای ناشناس برای امیرمبارزالدین محمد نوشته شد. (شرح فارسی هیاکل النور سهروردی، ۱۳۷۹: ۱۷۲-۱۷۱) که در واقع شرحی مشایی بر اشراقی ترین رساله سهروردی است و از نقطه نظر بررسی تاریخ حکمت و فلسفه و وجود یک سنت اشراقی مهم در عهد آل مظفر حکایت دارد. (کریمی زنجانی، توضیحات مصحح بر رساله هیاکل النور، ۱۳۷۹: ۴۸) همچنین ابوالقاسم حسن ابرقویی فرزند داوود بن حسن (زنده در ۷۵۴ ق) نسخه ای از شرح اشارات و تنبیهات خواجه نصیرالدین طوسی را به خط نستعلیق کتابت نمود. (فهرست نسخه های خطی ایران، ۱۳۹۲، ج ۴: ۴۷۵-۴۷۴) شایان ذکر است که شرح موافق به عنوان کتاب مهم علمی در این عهد به همان اندازه که به کلام ارتباط دارد به علوم دیگر مانند فلسفه، نجوم، هندسه و حساب نیز مرتبط است. افزون بر این توجه به تدریس علم تفسیر که مبتنی بر استنباط عقلانی در فهم و توضیح معانی و مفاهیم آیات قرآن است چون تفسیر کشاف زمخشری که تفسیری از نگاه معتزلی است، می تواند بیانگر علاقه به علوم عقلی و تأثیر آن در رویکردهای عقلانی به قرآن باشد. همچنین عمادالدین عربشاه یزدی از عرفا و سخنوران بزرگ سده هشتم، به امر شاه یحیی مونس العشاق شیخ اشراق را که در مراحل عشق به طریق رمز و اشاره نوشته شده است، در سال ۷۷۱ ق به نظم متین و زیبا و منسجم کشید. (عربشاه یزدی، ۱۳۷۰: ۴۵-۴۴) نکته درخور توجه دیگر آن که با توجه به گرایشات اشراقی در برخی اندیشمندان این دوره که همراه با ویژگی تأمل در آیات و روایات و احادیث معصومین (ع) و آگاهی از مضامین بلند آنها در جهت تعمق در اندیشه های فلسفی و یافته های عرفانی است، می توانست تأثیر عمیقی در شناخت حکمت معنوی تشیع داشته باشد.

۴- تصوّف و رونق آن در یزد

اگر چه شکل گیری جریان تصوّف و توسعه طریق آن در ایران، به پیش از حمله مغول باز می گردد، لیکن وجود امنیت و آرامش و دور بودن یزد از بحران هایی چون تاخت و تازهای مغول، موجب شد یزد در سده هشتم هجری به یکی از کانون های تصوّف ایران و اقبال گروه های مختلف مردم از جمله مشایخ صوفیه تبدیل شود. افزون بر این تعلّق خاطر خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی به یزد موجب شد تا وی در مدّت حضور خود در یزد به ساخت مدرسه و خانقاه و دیگر ابنیه بپردازد و موقوفات بسیاری از مزارع و

املاک را بر آنها اختصاص دهد. (کاتب، ۱۳۴۵: ۱۳۵) از مدرسه و خانقاه وی در جامع الخیرات به نام «خانقاه المخدومیة الرشیدیة» یاد شده است. (حسینی یزدی، ۱۳۶۵: ۷۶)

در کنار این، یکی دیگر از معتبرترین پشتوانه‌های تصوّف، خاندان رکنیه و حمایت آنان در ساخت خوانق بود. از جمله نظام‌الدین قوام‌الدین شرف‌شاه نیای سید رکن‌الدین محمّد اولین خانقاه را در یزد بنا نمود. (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۴۴) اما سید رکن‌الدین محمد و فرزندش سید شمس‌الدین محمّد برترین جایگاه را در حمایت از تصوّف داشتند. چنان‌که وی نه خانقاه و فرزندش پنج خانقاه را در نقاط مختلف بنا نهادند. در واقع خاندان رکنیه با داشتن پشتوانه‌هایی چون درآمد‌های دیوانی، حمایت ایلخانان و پیوند خویشی با خواجه رشیدالدین فضل‌الله و علاقه‌ای که خود به رشد و توسعه فرهنگ اسلامی داشتند، اقدام به احداث مؤسسات مذهبی و عام‌المنفعه متعددی در یزد و مناطق همجوار نمودند.

افزون بر این عوامل، امرای مظفری خود نیز برای مشایخ صوفیه احترام ویژه‌ای قائل بودند؛ ارادت امیر مبارزالدین محمّد به شیخ احمد و برادرش شیخ محمّد فهّادانی (متوفی ۷۳۵ ق) و ساخت عمارتی بر مقابر آنان (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۴۳)، رابطه دوستانه وی با حاجی محمود شاه بُندرآبادی، بشارت جانشینی شاه شجاع پس از پدر توسط حاجی محمود شاه (کاتب، ۱۳۴۵: ۱۶۴)، ارادت شاه شجاع به شیخ علی بنیمان (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۶۷-۱۶۶)، نامه شاه یحیی به مولانا سعدالدین آنسی و دعوت از وی به حضور در شهر یزد (منشی یزدی، ۲۵۳۶، ۱۴۹)، ساخت خانقاهی در نزدیکی دروازه سعادت توسط امیر مبارزالدین محمّد (کاتب، ۱۳۴۵: ۱۳۹) و ساخت خانقاهی بر مزار شیخ احمد فهّادان (کاتب، ۱۳۴۵: ۱۹۳)، بخشی از اقدامات آنان در این زمینه است. جریان تصوّف در یزد برخلاف جنبش‌های صوفیانه در خراسان که در تقابل با مغولان انجامید، پیوندی فعال و دوسویه با حاکمان مظفری برقرار کرد. مشایخ صوفیه که از موقوفات و صدقات و نذورات خانقاه‌ها برخوردار بودند در عمل از حمایت و مساعدت مالی و معنوی آل مظفر بهره‌مند بودند. هر چند که گروهی از ایشان همچون شیخ احمد فهّادان و سید روح‌الله حیدر مشهور به دیگبندان و شیخ خلیل آسوده مشهور به گوردارین در پی مقام و عنوان نبودند و ساده‌می‌زیستند. به نظر می‌رسد یکی از دلایل انتخاب یزد از سوی مشایخ صوفیه، رونق تصوّف و کثرت احداث خانقاه‌ها باشد. این امر موجب شد تا با مهاجرت و حضور شاه نعمت‌الله ولی در یزد (در اواخر سده هشتم هجری) و ساخت خانقاهی در تفت، اعتبار یزد به عنوان مکانی امن جهت اقبال مشایخ صوفیه فزونی یابد. (کاتب، ۱۳۴۵: ۲۱۶) افزون بر این در ادامه با حضور و اسکان فرزندان و اعقاب شاه نعمت‌الله در این خطّه و روابط و مناسبات این خاندان با سلسله صفویه، یزد به

جایگاه معتبری در ایران عصر صفوی دست یافت. (اوحدی حسینی دقاقی بلیانی اصفهانی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۴۲۲۴).

گفتنی است که نفوذ مذهب شافعی در قلمرو آل مظفر با رونق تصوّف سازگاری تامّ داشته است و شیوخ صوفیه و مریدان آنها در احکام شرعی و فقهی پیرو فقه شافعی بودند. از سوی دیگر تفکر اشعری خود را با مبانی تصوف همسو کرده بود و این همه به جهت کوشش های سده های پیشین عالمانی همچون امام الحرمین جوینی و ابومحمد غزالی بود که در پیوند دادن سه ساحت فقه و کلام و تصوف توفیق یافته بودند. از این منظر ولایت یزد نیز در استمرار این جریان، با همگرایی میان تصوّف مذهب شافعی و کلام اشعری همسو بود. از میان طریقت های رایج صوفیه طریقت های کبرویه، سهروردیه و نعمت اللّٰهیه در یزد پیروانی داشتند. طریقت کبرویه از طریق مهاجرت و حضور شاخه ای از خاندان سعدالدین حمّویه در جریان حملات مغول به یزد رواج یافت. (طباطبایی بهبهانی، مقدّمه مصحّح بر المشیخه، ۱۳۹۵: ۱۹-۱۷) گرایش به طریقت سهروردیه را از طریق ترجمه و شروحي که بر آثار ابوحفص عمر سهروردی -پیشوای طریقت سهروردیه- نوشته شده، می توان جستجو کرد. از جمله ترجمه عوارف المعارف و ترجمه رشف النّصائح الایمانیه و کشف الفصائح الیونانیه توسط معین الدین معلّم یزدی. (معلّم یزدی، ۱۳۶۵: ۵۷-۵۴) اهمیت عوارف المعارف به گونه ای بود که همواره در خانقاه ها محل تدریس و تعلیم بود. افزون بر این طریقت نعمت اللّٰهیه نیز با حضور شاه نعمت اللّٰه ولی در تفت و احداث خانقاهی رفیع توسّط وی در این قریه، موجب شد تا علما و بزرگانی همچون مولانا حاجی اختیار تفتی از محضر وی کسب فیض نمایند. (شیروانی، ۱۳۷۸: ۵۳۶) استمرار حیات سادات نعمت اللّٰهیه با حضور اعقاب شاه نعمت اللّٰه ولی در جامعه یزد و مناسبات و تعاملات گسترده آنان با صفویان طی سده های دهم و یازدهم هجری، در توسعه و رونق خانقاه ها و فعّالیت گسترده آنان تأثیر بسزایی داشته است. (قزوینی، ۱۳۶۳: ۴۱۱) بدین لحاظ حضور خاندان های حمّوئیه، دادانیه و نعمت اللّٰهیه در یزد طی سده های هشتم تا یازدهم هجری نشان از اهمیت، اعتبار و جایگاه طریقت های صوفیه دارد. چنان که در عهد آل مظفر تصوّف به اوج اهمیت و اعتبار خود رسید و تا سه قرن پس از آن، ولایت یزد یکی از مهمترین مراکز آیین طریقت بود.

نتیجه‌گیری

واکاوی جریان‌ها و گرایش‌های فکری و مذهبی یزد در دوره آل مظفر نشان می‌دهد که یکی از عناصر مهم در شکل‌گیری تمدن اسلامی تأثیرپذیری آن از جریان‌های حاکم بر حیات اجتماعی و فکری حاکمان هر دوره و نیز ساکنان منطقه دارد. این امر به لحاظ عینی با تغییراتی که به لحاظ بافت شهری در این دوره صورت گرفت کاملاً قابل مشهود است. احداث اماکن مذهبی و آموزشی متعدد در یزد این دوره همچون مساجد، مدارس، آرامگاه‌ها و خانقاه‌ها بر اساس مناسبات اجتماعی متأثر از بالندگی جریان‌ها و گرایش‌های فکری بوده است که این خود ریشه در جهان‌بینی توحیدی ایران اسلامی دارد. عوامل دیگری که در شکل‌گیری و بالندگی جریان‌های حاکم بر منطقه‌ای تأثیر دارند و در یزد این دوره هم نمود داشته است عبارتند از: آمد و شد و مهاجرت اندیشمندان فرق مختلف مذهبی از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر، تبادل و تعامل افکار و اندیشه‌ها و موقعیت جغرافیایی و تجاری منطقه. سده هشتم هجری از این حیث، یکی از دوره‌های مهم تاریخ ایران است. به عبارتی دیگر پس از فرو نشستن آتش تهاجمات خانمانسوز مغولان و استقرار حاکمیت آنان بر ایران، به دلیل نهادینه نشدن ساختارهای تحمیلی مغولان بر جامعه ایرانی، در ادامه فضای مناسبی برای رشد گرایش‌های فکری مختلف فراهم گردید. استمرار این جریان در حکومت‌های پسایلخانی از جمله آل مظفر بر یزد نشان می‌دهد که در دوره آل مظفر، محیطی کم و بیش مساعد برای نقش‌آفرینی طیف‌های مختلف جامعه فراهم آمد. این امر با توجه به این که آل مظفر خود نمایندگان و حامیان سرسخت تسنن شافعی بودند در ترویج آن از طریق توجه ویژه به متون درسی فقه شافعی و احداث اماکن مذهبی و عام‌المنفعه بسیار و اختصاص درآمدهای کلان به آن نقش مؤثرتری داشته است و حائز اهمیت است. لیکن این امر مانع از آن نشد تا فعالیت سایر گروه‌های فکری در رویکردهای مختلف آن ظهور نکند. بلکه در کنار حضور و تکاپوی برتر شافعیان با گرایش اشعری، وجود کتیبه‌های برجای مانده از این دوره بیانگر انعطاف جامعه به تشیعی اعتدالی موسوم به تسنن دوازده امامی است. افزون بر این، توجه به مکتب حکمت اشراقی با گرایش عقلی و شهودی در ترجمه و کتابت برخی آثار شیخ اشراق کاملاً مشهود است. گذشته از این، در این دوره جریان حمایت از تصوف و صوفی‌گری استمرار یافت و در عین همگرایی میان تصوف و مذهب شافعی و کلام اشعری با مهاجرت و حضور صوفیان برجسته‌ای چون شاه‌نعمت‌الله ولی و خاندان حموئیه نقش پررنگ‌تری نیز ایفا نمود.

کتابنامه

- ابن بطوطه، شرف الدین ابو عبدالله محمد لواتی طنجی (۱۳۷۰). سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد، تهران، نشر آگاه، ج ۱.
- ابن عنبه، جمال الدین احمد (۱۳۸۳). عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، قم، انتشارات آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- ابن نظام الحسینی یزدی، محمد بن محمد (۱۳۸۸). العراضه فی الحکایه السلجوقیه، به کوشش مریم میرشمسی، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- الشیبی، کامل مصطفی (۱۳۷۴). تشیع و تصوف؛ تا آغاز سده دوازدهم هجری، تهران، امیرکبیر.
- اوحدی حسینی دقاقی بلیانی اصفهانی، تقی الدین محمد (۱۳۸۹). عرفات العاشقین و عرصات العارفین، تصحیح ذبیح الله صاحبکاری و آمنه فخر احمد با نظارت محمد قهرمان، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب با همکاری کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- بهشتی، محمد (زمستان ۱۳۸۹). «تأثیر اندیشه سهروردی بر آراء فیلسوفان مسلمان»، مجله تاریخ فلسفه، س ۱، ش ۳، صص ۳۰-۱۱.
- جعفری، جعفر بن محمد (۱۳۴۳). تاریخ یزد، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۸). تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، تهران، نشر علم.
- جنید شیرازی، معین الدین قاسم (۱۳۲۸). شد الازار فی حط الاوزار عن زوارالمزار، به تصحیح و تحشیه محمد قزوینی و عباس اقبال، تهران، چاپخانه مجلس.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله (۱۳۸۰). زبده التواریخ، محقق و مصحح سید کمال حاج سید جوادی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسینی یزدی، رکن الدین محمد (۱۳۶۵). جامع الخیرات، به اهتمام جعفر غضبان، یزد، انتشارات اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه استان یزد.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین حسینی (۱۳۶۲). حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران، کتابفروشی خیام، ج ۳.
- دانش یزدی، فاطمه (۱۳۸۷). کتبه های اسلامی شهر یزد، زیر نظر محمد حسن خادم زاده، یزد، نشر سبحان نور و پایگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهر تاریخی یزد.
- دهقان نژاد، امیر؛ فولادی، فضل الله (زمستان ۱۴۰۰): «بازسازی و تطور علوم حکمی * منطق و فلسفه» در ایران عصر ایلخانان»، نشریه علم و تمدن در اسلام، ش ۱۰ (ب)، صص ۲۹-۱۰.

رهدار، احمد (بهار و تابستان ۱۳۸۹). «تبیین تطورات سیاسی تصوف و نسبت آن با تشیع»، جستارهای سیاسی معاصر، س ۱، ش ۱، صص ۱۲۶-۷۹.

ستوده، حسینعلی (۱۳۴۷). تاریخ آل مظفر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۲.

سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق (۱۳۷۲). مطلع سعدین و مجمع بحرین، به اهتمام عبدالحسین نوائی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

سهروردی، شهابالدین یحیی (۱۳۷۹). رساله هیاکل النور (شرح فارسی از عهد آل مظفر از مترجم و شارح ناشناخته)، به تصحیح و مقدمه محمد کریمی زنجانی اصل، تهران، نشر نقطه.

شاه نعمت الله ولی، سید نورالدین (۱۳۷۴). کلیات اشعار شاه نعمت الله ولی، به سعی جواد نوربخش، تهران، انتشارات مهرآیین.

شیروانی، حاجی زین العابدین (۱۳۷۸ ق). بستان السیاحه، تصحیح میرزا سید عبدالله مستوفی، تهران، انتشارات سنایی.

صفا، ذبیح الله (بی تا). تاریخ ادبیات در ایران؛ از اوایل قرن هفتم تا اواخر قرن هشتم هجری، تهران، انتشارات ابن سینا، ج ۳.

عربشاه یزدی، عمادالدین (۱۳۷۰). منظومه (مثنوی) مونس العشاق اثر شیخ شهابالدین یحیی سهروردی، به کوشش سیده محمود هاشمی، اسلام آباد - پاکستان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

عضد یزدی، سندبادنامه منظوم (۱۳۸۱). به تصحیح محمد جعفر محبوب، تهران، نشر توس.

غنی، قاسم (۱۳۶۹). تاریخ عصر حافظ (بحث در آثار و افکار و احوال حافظ)، با مقدمه محمد قزوینی، تهران، انتشارات زوار، ج ۱.

فتوح المجاهدین فی ردّ المتدلسین، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۰۷۲۰، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

فهرست نسخه‌های خطی ایران (فنخا) (۱۳۹۱). به کوشش مصطفی درایتی، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه‌های ملی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱۹.

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (۱۳۵۷). تألیف محمد تقی دانش پژوه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

قزوینی، یحیی بن عبداللطیف (۱۳۶۳). لب التواریخ، تهران، بنیاد گویا.

قطب الدین شیرازی. شرح حکمه الاشراف شیخ اشراق، نسخه خطی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره ۱۳۷۲، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

قمی نیشابوری. نظام الدین حسن بن محمد، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۴۳۴، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

کاتب، احمد بن حسین بن علی (۱۳۴۵). تاریخ جدید یزد، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات امیرکبیر. کتبی، محمود (۱۳۶۴). تاریخ آل مظفر، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات امیرکبیر. گذار، آندره؛ یدا گذار و دیگران (۱۳۷۱). آثار ایران، ترجمه ابوالحسن سرو مقدم، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی.

مسرت، حسین (۱۳۹۵). یزد؛ یادگار تاریخ، یزد، انجمن کتابخانه های عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد و انتشارات یزد.

مستوفی بافقی، محمد مفید (۱۳۸۵). جامع مفیدی، به کوشش ایرج افشار، تهران، نشر اساطیر. مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۳۶). نزه القلوب، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، کتابخانه طهوری. معلّم خبّاز، ابوبکر حسین بن قاضی علی بن نقی. مجموعه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۸۷۱۳، تهران، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

معلّم یزدی، معین الدین بن جلال الدین محمد (۱۳۲۶). مواهب الهی (در تاریخ آل مظفر)، با تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، تهران، نشر اقبال، ج ۱.

منشی یزدی، شهاب الدین محمد بن علی بن جمال الاسلام ملقب به منشی (۲۵۳۶). همایون نامه، به اهتمام رکن الدین همایونفرخ، تهران، دانشگاه ملی ایران.

مؤمنی، محسن (آذر ۱۳۹۱)، «منازعات فرقه ای و تحول مذهبی در ایران»، نشریه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۷۵، صص ۷۳-۶۶.

نظام الدین اسحاق و دیگران از خاندان حمّونی یزدی (۱۳۹۵). المشیخه (کنز السالکین)، مقدمه سید محمد طباطبایی بهبانی، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب با همکاری کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. نوروزی، جمشید؛ صادقی فرد، مؤگان (تابستان ۱۴۰۰). «جایگاه علماء دینی در حکومت آل مظفر و چگونگی نقش آفرینی آنان»، نشریه مطالعات تاریخ فرهنگی، سال دوازدهم، ش ۴۸، صص ۱۶۹-۱۴۱.

همایونفرخ، رکن الدین (۱۳۴۷). کتاب و کتابخانه های شاهنشاهی ایران از صدر اسلام تا عصر کنونی، تهران: وزارت فرهنگ و هنر و وزارت کل آموزش و پرورش.

هنر فر، لطف الله (۱۳۵۰). گنجینه آثار تاریخی اصفهان، اصفهان: انتشارات ثقفی.